خبر

مقابله با تغییر کاربری غیرمجاز اراضی کشاورزی در خوزستان

فرمانده یگان حفاظت اراضی کشاورزی خوزستان از شناسایی ۸۱۴ مورد تغییر کاربری غیرمجاز به مساحت بیش از ۸۰ هکتار در شش ماهه نخست سال جاری خبر داد.

سرهنگ سیدشریف شریفی با اشاره به پیامدهای نامطلوب تغییر کاربری غیرمجاز اراضی کشاورزی اظهار کرد: خروج زمین‌های کشاورزی از چرخه تولید، تهدیدی جدی برای امنیت غذایی، کاهش تولید محصولات و افت درآمد کشاورزان به‌شمار می‌رود و می‌تواند در بلندمدت زمینه وابستگی بیشتر به واردات محصولات غذایی را فراهم کند.

وی افزود: اراضی کشاورزی به‌ویژه زمین‌های حاصلخیز، سرمایه‌ای ارزشمند و گاه غیرقابل جایگزین هستند که شکل‌گیری و حفظ کیفیت خاک آنها حاصل سال‌ها فرآیند طبیعی و فعالیت کشاورزی است. از این‌رو، تغییر کاربری بی‌ضابطه این اراضی نه‌تنها موجب از بین رفتن ظرفیت تولید محصولات کشاورزی می‌شود، بلکه پیامدهایی همچون تخریب ساختار خاک، افزایش خطر فرسایش، کاهش سطح کشت و تولید محصولات کشاورزی و آسیب به محیط زیست را نیز به دنبال دارد.



قالی ایران؛ از عرش به فرش

فرش ایرانی؛ میراثی که جهان از ما خرید و رقبا جای آن را گرفتند

فرش دستباف سال‌ها یکی از شناخته‌شده‌ترین نمادهای فرهنگ و هنر ایران در جهان بود؛ کالایی که نام تبریز، کاشان، اصفهان، قم، کرمان، راور، مشهد، نایین، مراغه و شیراز را به بازارهای بین‌المللی پیوند می‌داد و بدون اتکا به منابع نفتی، برای کشور ارزآوری و اشتغال ایجاد می‌کرد. اما امروز این میراث چندصدساله در وضعیتی قرار گرفته که نه‌تنها بازارهای بزرگ جهانی را یکی پس از دیگری از دست داده، بلکه در بازار داخلی نیز با کاهش تقاضا، تعطیلی کارگاه‌ها و خروج بافندگان از این حرفه روبه‌رو شده است.

برآوردهای منتشرشده نشان می‌دهد ارزش صادرات فرش دستباف ایران که در سال‌های اوج به بیش از دومیلیارد دلار می‌رسید، اکنون به کمتر از ۵۰ میلیون دلار سقوط کرده است. این کاهش را نمی‌توان صرفا افتی آماری در تجارت خارجی دانست؛ بلکه نشانه‌ای از عقب‌ماندن تدریجی یکی از مهم‌ترین صنایع فرهنگی و اشتغال‌زای ایران در بازار جهانی است.

از تبریز تا کاشان؛ هر منطقه یک امضای هنری

فرش ایرانی یک محصول یکدست و مشابه نیست. هر منطقه جغرافیایی، زبان تصویری، رنگ‌بندی، نقشه و شیوه بافت خاص خود را دارد. فرش تبریز با ظرافت، تنوع نقوش و مهارت فنی بافندگان شناخته می‌شود و کاشان با طرح‌های لچک و ترنج و سابقه دیرینه تولید فرش‌های نفیس، از جایگاهی ویژه در تاریخ این هنر برخوردار است.

در کرمان و راور، نقوش و رنگ‌های خاص، هویت مستقلی به فرش‌ها بخشیده‌اند. فرش شیراز و دیگر مناطق فارس نیز با نقوش عشایری و هندسی، بخشی از فرهنگ زندگی ایلی و روستایی را به تصویر می‌کشند. مراغه نیز با هنر قالیبافی و تولید فرش‌های ابریشمی و دستباف، یکی از کانون‌های مهم این میراث به‌شمار می‌رود.

در کنار این مناطق، قم با فرش‌های تمام‌ابریشم، نایین با ظرافت بافت و رنگ‌های ملایم و اصفهان با نقوش کلاسیک، مجموعه‌ای از تنوع هنری را شکل داده‌اند که در کمتر کشوری مشابه آن وجود دارد.

بااین‌حال، داشتن چنین تنوعی به‌تنهایی برای حفظ جایگاه جهانی کافی نبوده است. هنر و مهارت بافندگان همچنان وجود دارد، اما زنجیره‌ای که باید دسترنج آنان را به خریدار خارجی برساند، با اختلال جدی مواجه شده است.

تحریم‌ها؛ بسته شدن درهای بازار جهانی

یکی از مهم‌ترین ضربه‌ها به صادرات فرش ایران، بازگشت تحریم‌های آمریکا در سال ۲۰۱۸ بود. ایالات‌متحده پیش از این یکی از بزرگ‌ترین مشتریان فرش ایرانی محسوب می‌شد و سهم قابل‌توجهی از صادرات ایران به این بازار اختصاص داشت.

با بازگشت محدودیت‌ها، صادرکنندگان ایرانی عملا یکی از مهم‌ترین مقاصد تجاری خود را از دست دادند. مشکلات بانکی، دشواری انتقال پول، محدودیت بیمه و حمل‌ونقل و نگرانی شرکت‌های خارجی از همکاری با طرف‌های ایرانی، هزینه و ریسک تجارت را افزایش داد.

در چنین شرایطی، حتی پیداکردن مشتری نیز به معنای انجام موفق معامله نیست. صادرکننده باید بتواند قرارداد ببندد، پول دریافت کند و درآمد حاصل از فروش را به چرخه اقتصادی کشور بازگرداند؛ مراحلی که هرکدام با موانع جداگانه روبه‌رو هستند.

هند و پاکستان؛ رقبایی که جای خالی ایران را پر کردند

در سال‌هایی که تولیدکنندگان ایرانی درگیر محدودیت‌های صادراتی بودند، رقبایی مانند هند، پاکستان، چین، ترکیه و افغانستان فرصت پیداکردند سهم بیشتری از بازار جهانی را به‌دست‌آورند. هند با تکیه بر نیروی کار ارزان‌تر، شبکه صادراتی گسترده و دسترسی آسان‌تر به بازارهای بین‌المللی، به یکی از بازیگران اصلی تجارت فرش دستباف تبدیل شده است. طبق آمار تجارت جهانی که در گزارش‌های مربوط به صنعت فرش ایران مورد استناد قرار گرفته، هند در سال ۲۰۲۲ با حدود ۳۱۰ میلیون دلار صادرات، نزدیک به ۳۰ درصد بازار جهانی فرش دستباف را در اختیار داشت. درکنار مزیت قیمت، مسأله دیگری نیز مطرح است: عرضه فرش‌هایی با نقشه‌ها و سبک‌های نزدیک به طرح‌های ایرانی. به این ترتیب، بخشی از محصولات الهام‌گرفته از هنر ایران، با قیمت پایین‌تر به بازارهایی راه می‌یابند که زمانی مشتری اصلی فرش ایرانی بودند.

مراغه؛ نمونه‌ای از یک میراث در انتظار احیا

وضعیت فرش ابریشم مراغه، تصویری کوچک از بحران بزرگ‌تر صنعت فرش ایران است. این محصول که در گذشته جایگاه قابل‌توجهی در بازار داخلی و خارجی داشت، اکنون با مشکلاتی روبه‌رو شده که از رونق و تأثیرگذاری اقتصادی آن کاسته است.

گزارش اخیر ایرنا درباره فرش ابریشم مراغه نیز بر همین مسأله تأکید دارد؛ این‌که مدیران محلی به ضرورت احیای جایگاه گذشته این هنر و صنعت پی برده‌اند و بازگرداندن آن به موقعیت پیشین، به همکاری بخش‌های مختلف نیاز دارد.

این مسأله فقط به مراغه محدود نیست. در تبریز، کاشان، کرمان، راور، شیراز و دیگر قطب‌های قالیبافی نیز کاهش سفارش، افزایش هزینه مواد اولیه و دشواری فروش، ادامه فعالیت بسیاری از کارگاه‌ها را با مشکل مواجه کرده است.

با تعطیلی هر کارگاه، فقط یک واحد تولیدی از چرخه اقتصاد خارج نمی‌شود؛ بلکه مهارت بافنده، تجربه استادکار و دانشی که نسل به نسل منتقل شده، نیز در معرض نابودی قرار می‌گیرد.

گره‌های داخلی؛ از مواد اولیه تا بیمه بافندگان

تمام مشکلات فرش ایران را نمی‌توان به تحریم‌ها نسبت داد. بخشی از بحران به سیاست‌گذاری داخلی و ضعف حمایت از تولیدکنندگان بازمی‌گردد. افزایش قیمت پشم، ابریشم، رنگ و سایر مواد اولیه، هزینه تولید را بالا برده است. در مقابل، کاهش قدرت خرید خانوارها باعث شده بازار داخلی نیز توان جذب تولیدات گران‌قیمت را نداشته باشد. از سوی دیگر، مقررات ارزی و الزام صادرکنندگان به بازگرداندن ارز با سازوکارهای دستوری، در دوره‌هایی انگیزه صادرات را کاهش داده است. مشکلات بیمه قالیبافان، نبود حمایت مؤثر از کارگاه‌های کوچک و دشواری تأمین سرمایه در گردش نیز فشار مضاعفی بر فعالان این صنعت وارد کرده است. در فرش‌های نفیس ابریشمی، مشکل تأمین مواد اولیه ابعاد دیگری هم دارد. گزارش اخیر روزنامه «دنیای اقتصاد» نشان می‌دهد محدودیت‌های واردات ابریشم طبیعی، دشواری نقل‌وانتقال ارز و افزایش هزینه تأمین، تولیدکنندگان فرش‌های ظریف و گران‌قیمت را با چالش روبه‌رو کرده است.

فرشی که در انبار می‌ماند، هنری که از رونق می‌افتد

یکی از نگران‌کننده‌ترین پیامدهای بحران صادرات، انباشته شدن فرش‌ها در انبارهاست. فرش دستباف برخلاف بسیاری از کالاهای صنعتی، محصولی نیست که بتوان تولید آن را به سادگی و بدون توجه به سفارش و تقاضای بازار افزایش داد. بافت یک فرش نفیس ممکن است ماه‌ها و حتی سال‌ها زمان ببرد. سرمایه و نیروی انسانی قابل‌توجهی برای تولید آن صرف می‌شود، اما اگر محصول در نهایت به فروش نرسد، نه‌تنها سودی نصیب تولیدکننده نمی‌گردد، بلکه سرمایه او نیز برای مدت طولانی در انبار گرفتار خواهد ماند. از طرف دیگر، تغییر سلیقه خریداران جهانی و حرکت بازار به سمت طراحی‌های مدرن، رنگ‌های ساده‌تر و ابعاد متفاوت، ضرورت به‌روزرسانی تولیدات را افزایش داده است. بخشی از تولیدکنندگان ایرانی همچنان بر الگوهای سنتی تکیه دارند، درحالی‌که رقبای خارجی توانسته‌اند محصولات خود را با نیازهای جدید بازار هماهنگ کنند.

احیای فرش ایرانی؛ فراتر از برگزاری نمایشگاه

بازگرداندن فرش ایرانی به بازار جهانی با برگزاری چند نمایشگاه یا صدور چند بخشنامه امکان‌پذیر نیست. این صنعت به یک برنامه جامع نیاز دارد؛ برنامه‌ای که از حمایت واقعی از بافندگان و اصلاح مقررات صادراتی آغاز شود و به بازاریابی بین‌المللی، برندسازی و توسعه شبکه فروش برسد. تسهیل نقل‌وانتقال پول، ایجاد مسیرهای مطمئن صادراتی، کاهش هزینه‌های تجاری، حمایت بیمه‌ای از قالیبافان و دسترسی تولیدکنندگان به مواد اولیه باکیفیت، از ضرورت‌های این مسیر است. همچنین باید برای هر منطقه، هویت تجاری مشخصی تعریف شود. فرش تبریز، کاشان، راور، مراغه و شیراز نباید صرفا با عنوان کلی فرش ایرانی به بازار معرفی شوند؛ بلکه ویژگی‌های هنری و اصالت هرکدام می‌تواند مزیت اقتصادی آن باشد. استفاده از فروش اینترنتی، همکاری با طراحان بین‌المللی و حضور هدفمند در بازارهای جدید نیز می‌تواند به بازگشت مشتریان کمک کند. فرش دستباف ایران هنوز از اعتبار تاریخی و هنری برخوردار است، اما اعتبار گذشته به‌تنهایی بازار آینده را تضمین نمی‌کند. اگر سیاست‌گذاران همچنان احیای این صنعت را به اقدامات مقطعی محدود کنند، ممکن است روزی از تبریز و کاشان تا مراغه و راور، کارگاه‌هایی باقی بمانند که تنها نام و خاطره‌ای از شکوه گذشته را حفظ کرده‌اند؛ درحالی‌که بازار جهانی، نقش و نگار ایرانی را با نام رقبای دیگر می‌شناسد.

موج

هوره؛ آواز کهن زاگرس

میراثی که با خاموشی آخرین راویان از دست می‌رود

در دل کوه‌های زاگرس، آوازی وجود دارد که قرن‌ها روایتگر زندگی، عشق، اندوه و حماسه مردمان این سرزمین بوده است؛ آوازی بی‌نیاز از ساز و همراهی موسیقی که از حافظه تاریخی مردم ایلام برخاسته و نسل به نسل منتقل شده است. «هوره» را باید یکی از کهن‌ترین گونه‌های آواز تک‌خوانی در منطقه زاگرس دانست؛ میراثی شنیداری که امروز بیش از هر زمان دیگری در معرض فراموشی قرار گرفته است.

هوره تنها یک شیوه آوازخوانی نیست، بلکه بخشی از هویت فرهنگی مردم ایلام و مناطق کردنشین به‌شمار می‌رود. این آواز در گذشته با زندگی روزمره مردم پیوندی عمیق داشت؛ از کار و کوچ گرفته تا مراسم شادی، سوگواری و روایت حماسه‌های محلی. سادگی اجرا و نبود ساز در همراهی با خواننده، از ویژگی‌های متمایز این سنت موسیقایی است.

با وجود ثبت هوره در فهرست میراث ناملموس ملی، تغییر سبک زندگی، گسترش شهرنشینی و فاصله گرفتن نسل جوان از سنت‌های بومی، استمرار این آواز را با دشواری مواجه کرده است. از سوی دیگر، درگذشت بسیاری از خوانندگان و راویان قدیمی، خطر از بین رفتن شیوه‌های اصیل اجرای هوره را افزایش داده است. مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ایلام از ثبت ۸۲ اثر ناملموس این استان در فهرست آثار ملی خبر داده و اعلام کرده است که ۱۶پرونده دیگر نیز در مسیر ثبت جهانی قرار دارند. رائد ناصری‌فر، معاون میراث فرهنگی ایلام، با اشاره به پیشینه تاریخی هوره، از کشف ۸۸ فلوت مختلف در محوطه‌های پیش از تاریخ این استان خبر می‌دهد؛ یافته‌هایی که به گفته او، نشان‌دهنده پیشینه موسیقایی و آیینی این منطقه است. هوره در قالب‌های مختلفی ازجمله آوازهای حماسی، عاشقانه، غمگین و طبیعت‌محور اجرا می‌شود و در آیین‌هایی مانند چمر و چوب‌بازی نیز جایگاه دارد. کارشناسان معتقدند برای جلوگیری از نابودی این میراث، باید صدای استادان قدیمی ثبت و ضبط شود، آموزش هوره به مدارس و دانشگاه‌ها راه پیدا کند و هنرمندان فعال در این حوزه مورد حمایت قرار گیرند.

در نهایت، حفظ هوره فقط به معنای نگهداری یک سبک موسیقی نیست؛ مسأله، حفاظت از بخشی از حافظه جمعی و هویت فرهنگی مردمی است که تاریخ خود را قرن‌ها با آواز روایت کرده‌اند. اگر این صدا به نسل بعد منتقل نشود، ممکن است روزی از هوره تنها نامی در کتاب‌های تاریخ باقی بماند.

اخبار کوتاه

تشکیل صندوق پژوهش نفتی در خوزستان

خوزستان با هدف تقویت پژوهش‌های کاربردی و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان فعال در صنعت نفت، برنامه ایجاد صندوق پژوهش و فناوری با هدف‌گذاری سرمایه ۵۰۰میلیارد تومانی را در دستورکار قرار داده است.

این صندوق قرار است با تأمین مالی طرح‌های فناورانه، به توسعه فناوری‌های بومی و افزایش توان شرکت‌های داخلی کمک کند. همزمان، صنعت نفت خوزستان از ثبت رکوردهای جدید تولید خبر داده است؛ اتفاقی که اهمیت این استان را در تأمین انرژی کشور بار دیگر برجسته می‌کند. پیوند میان افزایش تولید، پژوهش و فناوری می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای بهره‌وری و توسعه پایدار صنعت نفت در منطقه باشد.

۳۳۰ زندانی در اصفهان با صلح و سازش آزاد شدند

در پی تلاش دستگاه قضایی و مشارکت اعضای شوراهای حل اختلاف و خیرین در استان اصفهان، ۳۳۰ زندانی با استفاده از ظرفیت صلح و سازش آزاد شدند. این اقدام با هدف کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها، حل‌وفصل اختلافات و فراهم کردن زمینه بازگشت زندانیان به زندگی خانوادگی و اجتماعی انجام شده است. گذشت شاکیان و توافق طرفین در پرونده‌های قضایی، نقش مهمی در تحقق این آزادی‌ها داشته است. این تجربه نشان می‌دهد گسترش فرهنگ گفت‌وگو، میانجی‌گری و سازش می‌تواند علاوه بر کاهش فشار بر زندان‌ها، به حل مسالمت‌آمیز اختلافات و کاهش آسیب‌های اجتماعی کمک کند.

گزارش

هشدار برای ریه سبز تهران

خشک شدن پارک چیتگر فقط نتیجه خشکسالی نیست



پارک جنگلی چیتگر، یکی از مهم‌ترین فضاهای سبز غرب تهران و از تفرجگاه‌های قدیمی پایتخت، سال‌هاست با بحران خشکیدگی درختان دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ بحرانی که حالا با قطع هزاران درخت و انتشار تصاویر تنه‌های بریده‌شده، بار دیگر به موضوعی بحث‌برانگیز تبدیل شده است. اگرچه کم‌آبی و خشکسالی از عوامل اصلی این وضعیت هستند، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد ماجرا فقط به کاهش بارندگی محدود نمی‌شود و ضعف نگهداری، تأمین نشدن حقابه و تأخیر در مقابله با آفات نیز در آن نقش داشته‌اند.

حقابه‌ای که به صفر رسید

یکی از مهم‌ترین عوامل خشک‌شدن درختان چیتگر، کاهش شدید منابع آبی این پارک است. به گفته مسئولان شهرداری منطقه ۲۲، حقابه این مجموعه که در گذشته حدود ۵۰۰ لیتر بر ثانیه بود، به‌دلیل تشدید تنش آبی تهران و اولویت تأمین آب شرب، قطع شد. این درحالی است که نیاز آبی فعلی پارک حدود ۲۵۰ لیتر بر ثانیه برآورد می‌شود.

۲۵ هزار اصله درخت قطع شدند

براساس اعلام مدیرکل منابع طبیعی استان تهران، تاکنون حدود ۲۵ هزار اصله درخت آلوده در پارک چیتگر قطع شده و حدود ۷۰۰۰ درخت دیگر نیز باید از مجموعه خارج شوند. مسئولان می‌گویند این اقدام با هدف جلوگیری از انتقال آفت به درختان سالم و با نظارت کارشناسان منابع طبیعی انجام شده است.

بااین‌حال، پرسش مهم این است که چرا مقابله با آفت در مراحل اولیه به‌درستی انجام نشد؟ شهردار منطقه ۲۲ گفته است در سال‌های گذشته، آلودگی ابتدا به تعداد محدودی از درختان رسیده بود، اما خارج نکردن به‌موقع درختان آلوده باعث گسترش مشکل شد.

آیا چیتگر احیا می‌شود؟

شهرداری منطقه ۲۲ از اجرای برنامه‌هایی برای بازگرداندن حیات به این مجموعه خبر داده است. احیای چاه‌های قدیمی، استفاده از پساب تصفیه‌شده، اجرای حدود ۴۰ کیلومتر لوله‌گذاری و کاشت درختان جدید ازجمله این اقدامات است. با وجود این تلاش‌ها، میزان آب ورودی به پارک هنوز به نیاز واقعی آن نرسیده است.

خبر

سد کرج جان گرفت

ذخیره آب به ۱۱۹ میلیون مترمکعب رسید



پس از ماه‌ها نگرانی درباره وضعیت منابع آبی استان البرز و کاهش شدید ذخایر سدهای کشور، بارندگی‌های هفته‌های اخیر بارقه‌ای از امید برای بهبود شرایط ایجاد کرده است. تازه‌ترین آمارها نشان می‌دهد حجم آب ذخیره‌شده در سد کرج به ۱۱۹ میلیون مترمکعب رسیده؛ رقمی که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته افزایش قابل‌توجهی را نشان می‌دهد.

بر اساس اعلام شرکت آب منطقه‌ای البرز، میزان ذخیره سد کرج تا ۱۱ آبان‌ماه به حدود ۱۱۹ میلیون مترمکعب رسیده است. این رقم در مدت مشابه سال گذشته تنها ۱۳/۲ میلیون مترمکعب بود؛ بنابراین ذخیره آب این سد نسبت به سال قبل حدود ۸۳ درصد افزایش یافته است.

ورودی آب سد کرج دوبرابر شد

محمدرضا جهانشاهی، معاون حفاظت و بهره‌برداری شرکت آب منطقه‌ای البرز، اعلام کرد از ابتدای سال آبی جاری، یعنی اول مهرماه، تا ۱۱ آبان حدود ۱۵ میلیون مترمکعب آب وارد سد کرج شده است. این میزان در مدت مشابه سال گذشته هفت میلیون مترمکعب بود که از تقریبا دوبرابر شدن ورودی آب حکایت دارد.

امید به احیای منابع زیرزمینی

یکی از برنامه‌های مدیریت آب در البرز، کاهش وابستگی به سفره‌های زیرزمینی و افزایش استفاده از منابع آب سطحی است. در سال‌های گذشته حدود ۷۵ درصد نیاز آبی استان از منابع زیرزمینی تأمین می‌شد؛ موضوعی که فشار زیادی بر آبخوان‌ها وارد کرده است.

در همین راستا، طرح‌های تغذیه مصنوعی، آماده‌سازی حوضچه‌های ذخیره آب و استفاده از ظرفیت شن‌چاله‌های تهرانشت در دستورکار قرار گرفته است. همچنین حدود ۱۴۰کیلومتر از مسیر رودخانه‌ها و سرشاخه‌های استان برای کاهش خطر سیلاب لایروبی شده است.

افزایش ذخیره سد کرج خبر امیدوارکننده‌ای برای البرز و تهران است، اما به معنای پایان بحران آب نیست. تغییر الگوی بارش، احتمال سیلاب‌های ناگهانی و فشار بر منابع زیرزمینی همچنان از چالش‌های جدی منطقه به‌شمار می‌روند.